

امروزه ارتکاب جرایم اقتصادی تهدیدی علیه امنیت بین‌المللی، ملی و یا شخصی آحاد جامعه در کشورهای گوناگون محسوب می‌شود. برای نمونه، در سال ۲۰۲۰ دولت هند اعلام نمود که حدود ۶۹ درصد نهادها و مراکز عمومی و دولتی این کشور، در یک بازه زمانی ۲۴ ماهه، قربانی حداقل یک جرم اقتصادی بوده‌اند. کشورمان ایران نیز از تهدید فزاینده جرایم اقتصادی در سطح کلان و خرد مصون نیست. خصوصاً اینکه ماهیت نوظهور این جرایم و شرایط اقتصادی حاکم بر کشورهای در حال توسعه، پیشگیری، کشف و مقابله با این جرایم را دشوارتر می‌سازد. از سوی دیگر اعمال تحریم‌های یک یا چندجانبه برخی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی علیه ایران، شرایط ویژه‌ای را بر بازارهای اقتصادی و کسب و کار در کشور تحمیل کرده است که بطور مستقیم و یا غیرمستقیم منجر به تقویت انگیزه ارتکاب این نوع جرایم در کشور می‌شود.

از مهم‌ترین ویژگی‌های این جرایم که پیشگیری، کشف و مقابله با آن‌ها را دشوار می‌سازد، می‌توان به بالا بودن رقم سیاه (یا مخفی) این جرایم اشاره داشت. رقم سیاه یا مخفی جرم، ناظر بر آن دسته از جرایم ارتكابی است که هیچ‌گاه به طور رسمی گزارش نمی‌شوند. حال آنکه اخذ آمار دقیق از جرایم ارتکاب یافته به سیاست‌گذار کیفری کمک می‌کند تا استراتژی صحیحی در رابطه با پیشگیری و کنترل این رفتارهای مجرمانه در کشور اتخاذ دارد. هنگامی که این جرایم گزارش و کشف نشوند، مجرمین علیرغم فعالیت‌های مخرب خود ناشناخته باقی می‌مانند و نظام عدالت کیفری و کارآمدی آن به جد تهدید می‌شود. متأسفانه بعضاً قربانیان نیز از بزه‌دیدگی خود آگاه نیستند و مادامی که این جرایم کشف نشوند، قربانی اینگونه فرایندها باقی می‌مانند. وضعیتی که می‌تواند منجر به تداوم نقش بزه‌دیدگان و مرتکبین در وقوع این رفتارهای مجرمانه در جامعه گردد. برای مثال، شرایطی را تصور نمایید که شهروندان، با خرید کالاهای نامرغوب، بدون اطلاع خود و بطور متناوب در زمره قربانیان کلاهبرداری و یا قاچاق کالا قرار می‌گیرند.

گزارش‌های رسمی و غیررسمی حکایت از آن دارند که جرایم اقتصادی بطور مخفی و مداوم، سلامت فرایندهای مختلف اقتصادی، مالی، تجاری و یا گمرکی در ایران را تهدید می‌کنند. این در حالی است که اغلب تحقیقات انجام شده در خصوص جرایم اقتصادی، مویذ لزوم اتخاذ تدابیر حقوقی و فنی اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی برای کشف و مقابله با آن‌ها و کاهش آثار سوء آن بر اقتصاد، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه است.

برای مقابله با افزایش رقم سیاه جرایم اقتصادی در ایران نیز ممکن است گستره‌ای از تدابیر اقتصادی، مدیریتی، گمرکی، جرم‌شناختی و حقوقی اندیشیده شود. طبیعتاً کشف و اطلاع‌رسانی ضابطین قضائی نقش مهمی در کاهش رقم سیاه جرم ایفاء می‌کند، اما مردم، قربانیان و حتی بزه‌کاران نیز باید در این فرآیند ایفای نقش نمایند؛ اما ترس از انتقام، بی‌آبرویی و یا نبود حمایت‌های حقوقی و تشویقی متناسب، از جمله مهم‌ترین علل عدم گزارش جرایم اقتصادی و بالا رفتن رقم سیاه این جرایم می‌باشد. با بررسی مجموعه تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور نیز می‌توان نتیجه گرفت که ترسیم راهکارهای حقوقی برای این پدیده، به میزان زیادی مغفول مانده است. تاکنون عمده آثار منتشر شده راجع به جرایم اقتصادی در ایران با رویکردی کلی همراه بوده‌اند.

وانگهی عمده تحقیقات ناظر بر جرایم اقتصادی، توجه چندانی به رقم سیاه این جرایم و راهکارهای جلوگیری از افزایش آن نداشته‌اند.

مقاله پیش‌رو، سعی در آسیب شناسی مقررات کیفری ماهوی و تبیین رویکردهای حقوقی موثر در راستای مقابله با رقم سیاه جرایم اقتصادی در کشور دارد. پرسش اصلی این است که اصلی‌ترین کاستی‌ها و اصلاحات لازم در حقوق کیفری ماهوی ایران برای مقابله با افزایش رقم سیاه جرایم اقتصادی کدام است؟ برای پاسخ به این پرسش، پس از پرداختن به ویژگی‌های جرایم اقتصادی، مولفه‌های موثر بر افزایش رقم سیاه جرایم اقتصادی در ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و به اصلاحات حقوقی لازم برای مقابله با افزایش رقم سیاه این جرایم پرداخته شده است. این اصلاحات به طور کلی ناظر بر افزایش بازدارندگی مجازات‌های جرایم اقتصادی، سامان‌دهی به مقررات افشاگری جرایم اقتصادی و حمایت از افشاگران و لزوم عدم تشهیر مجرمین اقتصادی مقرر، به مثابه رویکردهای نوینی است که در جهان معاصر مورد اقبال قرار گرفته است.

ویژگی‌های ماهوی جرایم اقتصادی و عوامل محیطی از علل تقویت انگیزه ارتکاب جرایم اقتصادی و طبیعتاً افزایش رقم سیاه آن‌ها در ایران است. لذا انتظار می‌رود که قانون‌گذار اقتضائات خاص اقتصادی و اجتماعی ایران را در مقابله با افزایش رقم سیاه جرایم اقتصادی از نظر دور ندارد. سیاست کیفری برای مقابله با افزایش رقم سیاه جرایم اقتصادی در کشور لزوماً تک بعدی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از مقررات سزادهنده، ارفاقی و حمایتی - تشویقی را باید توأمان دنبال نمود. لیکن مقنن در مواردی، جنبه سزادهی مجازات‌ها که موجب بازدارندگی ارتکاب جرایم می‌شود را مغفول داشته است.

از سوی دیگر قانون‌گذار سیاست‌های ارفاقی و حمایتی را بطور عام اتخاذ نموده و توجهی ویژه به اقتضائات جرایم اقتصادی نداشته است. برای مثال ذیل مقررات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و پیش از آن، در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، مقرراتی بازدارنده، خصوصاً در رابطه با شروع به جرم، معاونت و یا اعمال جهات تخفیف در رابطه با ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مقرر شده بود، اما با تصویب قانون کاهش حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ سیاست کیفری مبتنی بر ارفاق و تخفیف پیش رو گرفته شده است.

این دو رویکرد از منظر حقوقی در تعارض نمی‌باشند، اما به نظر می‌رسد که تصویب قانون کاهش مجازات تعزیری که گستره نسبتاً وسیعی از مجازات‌های شروع به جرم و معاونت در جرایم کلاهبرداری، اختلاس و ارتشاء را نسخ کرده و محدودیت محاکم در اعمال جهات تخفیف در مورد این جرایم را نیز از میان برداشته است، با شرایط تحریم‌های بین‌المللی و تهدید اقتصادی علیه کشور که بطور مستقیم و غیرمستقیم بر انگیزه افراد نسبت به ارتکاب جرایم اقتصادی اثر گذار است هماهنگی ندارد. خصوصاً اینکه ویژگی چند وجهی بودن و کلان بودن جرایم اقتصادی، امنیت اقتصادی کشور را تهدید می‌کند و نیازمند اتخاذ رویکردی است که شاخص‌های آن، عدالت سزادهنده و قطعیت کشف و رسیدگی به این جرایم است.

تصویب قوانین خاص راجع به انواع جرایم اقتصادی در کشور و همچنین توجه به اقتضائات تقابل با این جرایم، از جمله حمایت‌های قانونی از افشاگران نیز با تأخیر محسوسی همراه بوده است. طبیعتاً قوانین جدید مصون از اشکالات از حیث اتخاذ سیاست کیفری واحد و هماهنگ با دیگر مقررات و شرایط حاکم بر جامعه ایرانی نیستند. قانون حمایت از گزارشگران فساد، علی‌الظاهر با هدف رفع تکلیف تصویب شده و ایرادات متعددی بر آن وارد است.

علی‌رغم اینکه مقابله با افزایش رقم سیاه جرایم اقتصادی و پیش‌گیری از جرایم قریب الوقوع، مصلحتی مهم‌تر از تشهیر مجرمین اقتصادی است، سیاست سنتی اتخاذ شده در قوانین کیفری ماهوی شناساندن ایشان به مردم است. حال آنکه از منظر فقهی نیز مجازات تشهیر تنها ناظر به چهار جرم شهادت کذب، قوادی، احتیال و کذب بوده و نص صریح در رابطه با اعمال این مجازات نیز محدود به شهادت کذب است. بنابراین اعمال این مجازات بر مرتکبین انواع گوناگون جرایم اقتصادی، حداقل از منظر فقهی، حائز ویژگی تفسیر مضیق و به نفع متهمین نمی‌باشد. لذا انتظار می‌رود که قانون‌گذار، حتی اگر اصلاح مقررات ماده (۳۶) قانون مجازات را دنبال نمی‌کند، ضمن قانون سال ۱۴۰۲ و با توجه به ویژگی‌های خاص جرایم اقتصادی، چون کلان بودن و خطرات گسترده، که طبیعتاً منجر به ترس مجرمین نسبت به از دست دادن اعتبار در انظار عمومی می‌شود، عدم تشهیر مجرمین اقتصادی مقرر را به عنوان رویکردی ارفاقی منظور دارد؛ خصوصاً اینکه فارغ از قاعده «لزوم برخورد ملاطفت‌آمیز با مقرر»، مصلحتی مهم‌تر است که قربانی محور بوده و بزه‌دیدگان بیشتر و به طور کلی نظام اقتصادی کشور را نجات دهد تا آن که متهمان زیادی را تشهیر کند.